



باتشکر از رئیس افغان فیلم

ی‌کی از چالش‌های ما برای گزارش این صفحه، تماشای فیلم بیگانه به کارگردانی صدیق برمک بود. فیلم تحسین‌شده و مشهور اسامه برای تماشا در دسترس است و جنگ تریاک را هم که فیلم متاخزتری است اگرنه به راحتی اسامه اما به هرحال دیدیم. ولی جست‌وجو و تلاش ما برای دیدن فیلم کوتاه بیگانه به جایی

فِلِم‌سازی* از ولایت پنجشیر

درباره صدیق برمک، کارگردانی که سهم مهمی در معرفی سینمای افغانستان به جهان دارد



علی رستگار

سینما

چیزی شبیه آن کتابسوزان نازی‌ها را یک‌بار افغان‌ها هم تجربه کردند؛ منتها به جای کتاب، پای نابودی و به آتش کشیدن آرشیوهای فیلم به دستور ملاعمر رهبر طالبان در سال‌های پایانی دههٔ ۹۰ میلادی درمیان بود. هرچند این اتفاق تلخ افتاد و افراد طالبان حدود ۳۰۰۰ فیلم را جلوی سینما زینب کابل روی هم انباشتند و مقابل چشمان مردم آتش زدند، اما برخی عشاق و فعالان سینمای افغانستان هم بیگار ننشستند و باوجود همه خطراتی که تهدیدشان می‌کرد، بعد از مطلع‌شدن از دستور نابودی فیلم‌ها، نسخه‌های اصلی بسیاری از فیلم‌ها را در جاهایی پنهان کردند و بیشتر فیلم‌هایی که طالبان از بین بردند در واقع نسخه‌های کپی آثار بود. همین قصه واقعی که حال‌وهوایی دراماتیک، پر از تعلیق و هیجان دارد و جان می‌دهد برای یک روایت سینمایی به نوعی سرنوشت سینمای افغانستان هم هست که باوجود آغاز فعالیت در سال‌های اولیه قرن بیستم، فضایی برای قوام و تثبیت پیدا نکرد. هرچند سینمای افغانستان در سال‌هایی و در مقاطعی از حکومت محمد ظاهرشاه(آخرین پادشاه افغانستان که از ۱۹۳۳ تا ۱۹۷۳ حکومت می‌کرد) فعالیت خود را از سر گرفت و به‌ویژه در دوران حکومت سردار محمد داوودخان(مؤسس جمهوری افغانستان و اولین رئیس‌جمهور این کشور از ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۸) به شکوفایی رسید، اما درمجموع نتوانست رونق موثر و جریانیساز را ی‌کند. دلیل اصلی این ناکامی کلی، مخالفت‌های حاکمان سیاسی در دوره‌های مختلف بود. حکمرانی حزب دموکراتیک خلق افغانستان که مارکسیستی و وابسته به شوروی سابق بود و پس از آن هم جنگ‌های داخلی و سلطه طالبان و ورود نیروهای آمریکایی بعد از ماجرای ۱۱ سپتامبر مجال برای رشد و پویایی سینمای افغانستان باقی نگذاشت. با وجود همه این مشکلات و انبوه مناقشه‌ها و تنش‌های سیاسی و د خالت بیگانگان و عدم گفت‌وآم و تفاهم داخلی، سینماگران عاشقی هم بودند که حتی با همین اوضاع و احوال دست از تلاش برنمی‌داشتند و راه خود را به سینما و ساخت فیلم بازمی‌کردند. یکی از آنها صدیق برمک است که از حضور نیروهای شوروی در افغانستان و تاسیس اتحادیه‌هایی مثل اتحادیه هنر و سینما نهایت بهره را برد و بورسیه تحصیل سینما در دانشگاه مسکو را دریافت کرد و فیلم‌هایی درباره درد و رنج‌های مردم افغانستان ساخت. برمک از وقتی که اوضاع سینمای افغانستان تا حدودی به دلیل حمایت و مشارکت نهاد‌های فرهنگی بین‌المللی بهبود پیدا کرده، آوازه‌ای جهانی یافته و دو فیلم سینمایی‌اش به ویژه «اسامه» با تحسین تماشاگران و منتقدان در جهان روبه‌رو شد و سهم موثری در کسب اعتبار جهانی برای سینمای افغانستان داشت.

* در افغانستان به جای فیلم از کلمه فلم استفاده می‌کنند.

صدای سینمای افغانستان

صدیق...ا برمک متولد ۷ سپتامبر ۱۹۶۲ در ولایت پنجشیر افغانستان از کودکی به سینما علاقه داشت و این علاقه باعث شد بعدها دوره آموزش سینما و کارگردانی را در مسکو بگذراند و فیلم‌های مستند و کوتاهی بسازد و فیلم‌نامه‌هایی بنویسد. آثاری که حاکی از روحیه جسور او داشت و از هرگونه عاقبت‌طلبی به دور بود؛ نمونه‌اش نگارش نمایشنامه‌ای رادیویی یا ساخت فیلم کوتاه «دیوار» بود که حاوی کنایه‌هایی درباره حضور اشغال‌گرانه روس‌ها در افغانستان بود که اولین باعث فرارش شد و دومی سبب اخراج موقتی او از دانشگاه مسکو به زعم روس‌ها، برمک نمک‌خورده و نم‌کدان شکسته بود.

حمله احمدشاه مسعود به جوخه الیور استون!

صدیق برمک هم ولایتی احمدشاه مسعود، قهرمان ملی افغانستان و اهل دره پنجشیراست. هرچقدرشاه مسعود در دنیای واقعی مجاهدی تمام عیار بود، برمک در جهان سینما نسبت به مجاهدت و مقاومت مردم افغانستان ادای دین می‌کرد و آثاری قابل اعتنا می‌ساخته و می‌سازد. برمک به جز هم‌ولایتی بودن، رفاقتی هم با احمدشاه مسعود داشت. در گفت‌وگویی با صدیق برمک که با عنوان «میراث شوم طالبان» در شماره ۳۲۳ ماهنامه فیلم در آبان ۱۳۸۳ منتشر شد به این رفاقت اشاره شده است؛ (او (احمدشاه مسعود) دوستدار فیلم‌های جنگی بود و می‌توانست هر سکانس از این فیلم‌ها را همراه با زاویه‌های دوربین تحلیل کند. علاقه داشت که اشتباه‌های موجود در سکانس‌های جنگی را نشان دهد و حتی در صحنه‌های شب فیلم جوخه(الیور استون) هم چند اشتباه یافته بود. یکی از شیرین‌ترین خاطرات برمک، تماشای فیلم راننده تاکسی(مارتین اسکورسزی) به اتفاق احمدشاه مسعود در یک پایگاه انقلابی در شمال افغانستان در زمستان ۱۹۹۰ بود.



برمک و ایرانی‌ها

صدیق برمک همانقدر که تحت تأثیر سینمای آندری تارکوفسکی، اینگمار برگمان و فرانسوا تروفو است به برخی سینماگران ایرانی هم علاقه دارد؛ عباس کیارستمی و محسن مخملباف از فیلمسازانی هستند که می‌توان علاقه به آنها را در کارها و برخی لحظات آثار سینمایی برمک دید، به‌ویژه دومی که برمک با او همکاری هم کرد و نباید نقش حمایت‌گرانه برخی سینماگران

نرسید، اما تماس با صحرأ کریمی، کارگردان افغانستانی مقیم اسلواکی که رئیس کنونی افغان فیلم است، راهگشا بود و او لطف کرد و لینکی را برای تماشای بیگانه را اختیار ما قرار داد. کریمی هم یکی از فیلمسازان خوب افغانستان است و «حوالمریم عایشه» تازه‌ترین فیلم اوست که به تهیه‌کنندگی کتایون شهابی،

نماینده سینمای افغانستان در نود و دومین دوره اسکار بود. این فیلم کلیشه‌های رایج درباره افغانستان به‌ویژه زنان این کشور را به چالش می‌کشد و از نگاه سینما روایت متفاوتی از سه زن در جامعه امروز کابل ارائه می‌دهد.



نمایی از فیلم اسامه که در جشنواره‌های جهانی و رویدادهای سینمایی با تحسین روبه‌رو شد

تابلوی افتخارات صدیق برمک

بیگانه

بهترین فیلم کوتاه از جشنواره بین‌المللی فیلم پیونگ یانگ کره‌شمالی (۱۹۸۸)

فیلم تحسین‌شده در جشنواره بین‌المللی آسیا، آفریقا، آمریکای لاتین، تاشکند ازبکستان (۱۹۸۹)

اسامه

جایزه دوربین طلایی جشنواره کن (۲۰۰۳)

جایزه گلدن گلوب بهترین فیلم خارجی (۲۰۰۴)

جایزه اصلی جشنواره فیلم نو و رسانه نو؛ در شهر مونترال کانادا (۲۰۰۳)

جایزه ساتلند جشنواره فیلم لندن سال برای بهترین فیلم (۲۰۰۳)

جایزه جریان نو با تذکر ویژه و جایزه فیلم برگزیده تماشاگران از

جشنواره بین‌المللی فیلم بوسان کره جنوبی (۲۰۰۳)

جایزه بهترین بازیگر زن از جشنواره بین‌المللی فیلم مانبلا

فیلپین (۲۰۰۴)

و...

جنگ تریاک

جایزه منتقدان سینمای ایتالیا به نام مارک آوِردل در جشنواره بین‌المللی سینمایی رم (۲۰۰۹)

جایزه بهترین فیلم از جشنواره باتومی گرجستان (۲۰۰۹)

جایزه الهه طلایی بهترین کارگردانی، پریشتینا کوزوو (۲۰۰۹)

لقب بهترین کارگردان آسیا در جشنواره فیلم‌های آسیایی (در بمبئی هندوستان ۲۰۱۱)



صدیق برمک هنگام دریافت جایزه گلدن گلوب



رنج‌های مردم افغانستان بهره می‌برد. هم‌زمانی، همسایگی و همدردی فرهنگی و اجتماعی، نقش مهمی در رجوع برمک به آثار نویسنده‌ها و فیلمسازان ایرانی دارد.

دین‌شان می‌فروشند نه از آنها که دینشان را برای دنیاشان.»

برمک پیش از اسامه هم سرزلفی با ایرانی‌هاگره زده بود و دو داستان از دو نویسنده شاخص و بزرگ ایرانی را به فیلم و فیلم‌نامه تبدیل کرد؛ فیلم کوتاه بیگانه، براساس داستان صنوبر نوشته هوشنگ مرادی‌کرمانی نوشته و ساخته شد. برمک همچنین با نگاهی به داستان کوتاه بچه مردم نوشته جلال آل‌احمد، فیلم‌نامه فیلم سایه را نوشت. برمک به خوبی از بستر چنین داستان‌های غمبار ایرانی برای روایت

ایرانی را در نخستین فیلم سینمایی و تحسین‌شده برمک یعنی اسامه نادیده گرفت. مجتبی میرتھماسب(برنامه‌ریز)، ابراهیم غفوری (مدیر فیلمبرداری)، بهروز شهامت و فرخ فدایی(صدابرداران صحنه)، محمدرضا درویشی (موسیقی)، مستانه مهاجر(صداکذاری و دستیار تدوین) و... از جمله ایرانی‌هایی هستند که در فیلم اسامه با برمک همکاری کردند. همین فیلم اسامه به امنیت و آزادی و خوشبختی برسد، اما بعد یک پایان تلخ و واقعی را برای چنین روایتی مناسب‌تر می‌داند. با فاش شدن هویت واقعی اسامه در مکتبخانه طالبان او به اعدام محکوم می‌شود اما تنها اندکی پیش از اجرای حکم، رئیس پیر مکتبخانه از قاضی طالبان اجازه می‌خواهد دختر را به عقد خود درآورد. گرچه دختر از مرگ نجات پیدا می‌کند، اما زندگی مشترک با پیرمردی که همسرانی در بند دارد، دست کمی از نیستی ندارد و همچون یک تراژدی واقعی است که هیچ‌کس حق تصمیم‌گیری برای خود ندارد. یکی از نقاط قوت فیلم، بازی مارینا گلبهاری است که آن زمان ۱۴ سال داشت.

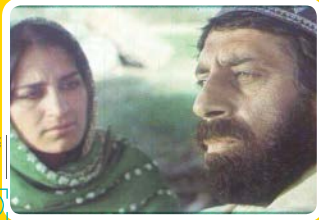
گلبهاری که پیش از بازی در اسامه، سرچهارراه‌های کابل مجله می‌فروخت، سال ۲۰۰۸ باز هم در فیلم دیگری از برمک(جنگ تریاک) حضور داشت، اما بعد دلایل برخی فشارها و تهدیدها همراه همسرش نورآ... غزیری به فرانسه مهاجرت کرد.



جنگ تریاک که بازیگرانی چون پیتر بوسیان، جو سو‌با، فواد سامانی و مارینا گلبهاری در آن بازی می‌کنند، یک کمدی سیاه است و نگاهی نمادین به حضور بیگانگان و اشغالگران در افغانستان دارد. شخصیت محوری فیلم پسر بچه‌ای به نام کزدم است که با لباس نظامی و در میان ویرانه‌های جنگ و ادوات نظامی پرسه می‌زند. او زبان صریح و تند و تیزی دارد و هیچ‌کس حتی اشغالگران نظامی از نیش و کنایه‌هایش در امان نیستند. خط‌ونشان بچگانه او، استعاره‌ای از حرف‌های یک ملت رنج‌کشیده است که دل خونی از حضور ویرانگر و منفعت‌طلبانه خارجی‌ها دارد. رحمت... بیگانه در نقدی که در نشریه ماندگار(روزنامه صبح افغانستان) بر جنگ تریاک نوشته به مطالب راهگشایی درباره این اثر برمک اشاره می‌کند. او در بخشی از یادداشت خود می‌نویسد: «به باور نیچه فلیسوف غربی: «جنگ قانون ابدی زندگی است و صلح، آسایش میان دو جنگ» اما متأسفانه این فیلم نشان می‌دهد که افغانستان همیشه قربانی وضعیت جنگی بوده و هیچ‌گاه حتی همان آسایش کوتاه‌مدت را نیز نداشته است.»

نگاهی به ۳ فیلم برمک

علیه بیگانه



فیلم کوتاه و ۴۰ دقیقه‌ای بیگانه محصول سال ۱۹۸۶ (۱۳۶۶) است و بازیگرانی چون سلام سنگی، عادلۀ ابراهیم، ابراهیم طغیان، ظاهر گردنی، غلام بلوچ و همایون پانیز در آن بازی می‌کنند. عنوان فیلم به خوبی حکایت از حال و هوای قصه دارد و بیانگر جهان‌بینی برمک و دیدگاه‌های ضداستعماری و ضداشغال‌گرانه اوست. مراد، کشاورز رعیتی و با همسر باردارش صنوبر زندگی خوب و خوشی دارد، با ورود پسر ارباب و دوست آمریکایی‌اش(مستر جونز) درگیر ماجرابی مبتنی بر غیرت می‌شود و در مقابل درخواست آنها برمی‌آشوبد. وقتی مراد سرآغ پیرمرد همسایه می‌رود تا تفنگش را از او قرض بگیرد، می‌گوید اطراف خانه‌اش (گرگ) پیدا شده؛ گرگ همان بیگانه است که مراد قصد بیرون راندن او را دارد. ترکیب تحصیل فیلمسازی در دانشگاه مسکو، قصه‌ای ایرانی که نمونه‌اش را به شکل افراف شده در برخی فیلمفارسی‌ها دیده‌ایم و تأثیر ناخودآگاه از تماشای احتمالی برخی آثار سینمای هند که مردم افغانستان به آن علاقه و سال‌ها به آن خو گرفته‌اند، جملگی در این

فیلم کوتاه برمک نمایان است. رنگ‌ورو و گرمای فیلم‌های روسی و زوم‌ها و کلوزآپ‌های آثار بالیوودی که در بیگانه می‌بینیم، دیگر چندان به سینمای برمک راه پیدا نکرد، اما فارغ از بحث‌های ظاهری، محتوای این فیلم کوتاه کامکان در آثار برمک قابل ردیابی است و اعتراض این فیلمساز به فرهنگ بیگانه، اشغالگر، استعماری، استثمار و مقاومت مردم رنج‌کشیده افغانستان بعدها به شکل پخته‌تری در اسامه و جنگ تریاک دیده می‌شود. فیلم‌نامه‌ای که برمک برای فیلم «عروج» به کارگردانی نورهاشم ابیر محصول سال ۱۹۹۰ و درباره مجاهدان افغان نوشت هم به شکل واضحی، سراغ روایت مقاومت رزمنده‌های افغانستانی رفت. او همواره از مقاومت و تاب‌آوردن مردم‌مش گفته و نوشته؛ فقط قالب‌هایش متفاوت بوده و هست و از روایت واقع‌گرایی متمایل به استعاره‌ای‌اش در بیگانه به یک کمدی سیاه و نمادین در جنگ تریاک می‌رسد.

یک تراژدی واقعی

اولین و تحسین‌شده‌ترین فیلم برمک محصول سال ۲۰۰۳ است؛ فیلمی که به قول خود برمک: «یک تراژدی واقعی در دورانی است که هیچ‌حق تصمیم‌گیری برای خود نداشته است.» اسامه، قصه دختر بچه‌ای است که در دوران حکومت طالبان در هیبت یک پسر وارد اجتماع می‌شود تا نان‌آور خانه‌اش باشد. مادر این دختر که در بیمارستان کار می‌کند با تهدید طالبان خانه‌نشین می‌شود. همسرش و برادرش پیشتر در مقاطعی از مقاومت کشته شدند؛ یکی در جنگ با طالبان و دیگری در جنگ با کمونیست‌ها.